

نمود میرزا محمد بیگ و میرزا جعفر خان ابنش که آن یک کریمچا را  
ساول صحبت این یک شغل کلانتری و حکومت مشغول بودند ملاک  
تخصیص ایام حیات خود را علاوه بر موقوفات سابقه نمودند میرزا  
ابوالحسن خان خف میرزا محمد بیگ و میرزا محمدیان ولدش که مؤلف این  
و والدند عباس علی و ساشری این بلوک و قلیلی از بلوک دشتی و در  
پیشینان ایام حیات خود را بیایان رسانیدند این بنامست هزار  
دو سیت و شصت که سی و پنج سال عمر کثیر الاصلاح گذشته بود و طریقه  
انا وجدنا ابائنا علی ائمه و انا علی ائمه محنت دون را نمود چون بجز این  
تخصیص ایام حیات فایده ندید قطع علاقه و مهاجرت را لازم دید  
لاجرم طریق مسافرت نمود و در دارالعلم شیراز توفیق و اقامت نمود  
چندی شغل امارت دیوان خانه و زمانه به تحصیل درسی کل ایات و کاسه  
بنظرم اهلانی دشتی و دشتانات و اوقات بیغت فرغت که معین بود

نیت و کمال راحت بود که در اسب و بطریق قناعت از مال المنافع  
اطلاک موروثی بدون منت و رعایت تکلیف بکنان میغشیت و گذران نمود  
مدت شانزده سال زمان توقف بگذرانید و آهسته بدین اوقات  
زندگانی همنیسه را بسر رسانید ولی در خیال کثیر از تقابل ارکان کار کرد  
پس کار سفله که خدایش اول و پله نایب نیست که روانا و از این وجه معشیت معلوم  
محروم آمد اما چون از کرم خداوند رزاق رزق مقسوم و تعدد دست  
و طریق تحصیل غیر محصور شد خدا را که درین سنده به از سابق بخورک  
چشم نماند بطریق شایسته و لایق موفق گردید و لکن مریض بهر توجیه  
منشاید مانند تمکار بد روزگار با بذر او لغت کرد کار اعیان  
خداوند چه بان امید چنانست که از موبد الطاف و اورمعت  
کثر و خدیور عیت پرورشایش عاقل خدیو هرگز شکستگی نبرد  
درست قبل کاکان بهم بسته شود و استیام پذیرد خنج خنج سه ده

لاغر مگو حاقی کورده باغان زنگان کرشت هفتون  
 غده این بلوک کرمی سرخوب شیراز مسافت چهل و دو فرسخ ایش  
 نش حاصلش غده و تنباکو سکار این جلکبه آهواش از باران و طوای  
 مرغیه مثل ربیته خانه الی کعبه خانه وار خنجر امین آباد آب کور  
 خاک بالاشه شهر خنجر باب انار کراوه سیرجان  
 باد نجان بادکان کوهکان قلیسی تادون کرفت  
 ساغر ابادشاپو غربه کلنجی صفا و جزه  
 زیتون مرزغوموز فشان خان کاهان باغ دهم آسمان  
 خاخرک حرک عبدالبا این بلوک بایل باعدال مشرقه بایل کجور شیراز مسافت  
 مسافت شانزده فرسخ ایش قتیبه حاصلش غده و برنج و مرکبات سکار این جلکبه  
 بکب و قلی دزاج آهواش از رودخانه مرغیه مثل ربیته الی صفا و جزه  
 خنجر و مرودشت شمس آباد امین آباد ده چاشت <sup>آباد</sup> معصوم

حسین آباد جرماتی رشماجان سهل آباد شول سیوند  
 میان قلعه فومده غیاث آباد کوشک خاصه روزیان قراباد  
 قوام آباد صیدان قصرناوان احمد آباد کته زین آباد  
 عباس آباد خالد آباد قاسم آباد علی جلال آباد احمد آباد  
 سعادت آباد مظفر عماد آباد فتح آباد کنان فاروق  
 فیروز دولت آباد هشتم بلیان امین آباد زنجی آباد  
 رفیع آباد شمس آباد عمرو آباد حسن آباد هرمرز قباد آباد  
 بیجان آباد کارکان شده ده بید حاجی آباد این کوه  
 سردسیر میان مشرق و شمال شیراز مباحث ده فرسخ مردمش فخر  
 حاصل غله و برنج آتش از رودخانه هرقریه مشتمل بر بیت الی سیدخانه  
 دار قلعه صطخر که از شاه میرقلع بکنه و بقاعست و همچنین صطخر که  
 ایران را مایه فخر بود در این بلوکست اول کیه شهر صطخر نامند و کیه مرث بود

بود و اکثر اوقات آنجا مقام کردی پوششک بر عمارت آن چنبری  
 در آنسزد و همیشه طرح شهر مظهری سخت که طوش از اول صحرا می خزرک  
 تا وسط عرصه مجرد است بهمن بنی قلیل عمارتی کرده های نایب های چهل  
 ستون آمد امر و از رسوم اطلاق آمده و دور و ستونهای بیست  
 ظاهر و هوید است که در هیچ بقعه از عالم سبعة اهل سیاه مثل آن  
 عمارت مشاهده نیافته است خواجه خواجه سیرکان زنجیران سفید  
 چوکان کوشک تهم بابا ارباب بنیقان بیرقان مهکو کوشک  
 جان آباد اسمعیل آباد ابراهیم آباد دارخان این بلوک معتدل جنوبی  
 بمسافت دوازده فرسخ مردمش عتبت مشه حاصلش غله و برنج اش از رود  
 هر قریه مثل ربیت الکیب خانه وارد شتی کاکه بار دوله کزک  
 حسن چهر شهری کوسه برمه صاد چاه حسین جمال طویل کلل فقیه  
 لاور کردوان کردراز بکبان قلات مخدان ابوان گنجد

شخان مسید ثا شنبه درویشی باغان طسوج کارونه  
سکو طلحه فاریاب سلمک ریز پوشکان پوشکان تنکام  
کله خون مورخیر بردستان دیر درگ سر وستان بروجن  
زیارت بطانه کز خوزکو چاه پهن محله فقیه امیران چرقه بور  
حیدری چم کور تابه دراز این بلوک کر میر کما بخر محکم جنوب شیراز  
بساط چهل و پنج فرسخ مردمش سلاح پیشه و شتران کهنه حاصلش غنای غله  
شکارش آبواش از باران و قلیل چشمه برقریه از سیال سیصد خانه و  
دار بگرد فصبه دارا بگرد باج آباد میان راه فتح آباد بردان ارم  
زیر آب ده خرمیلا ده خرمیقلی نود ایجان یوزگیر کوشک نو کاظم آباد  
دیران کرشکان عنیاء خناب بانوح دو بجان بیاده  
قلعه نو سیامان زرگران آب ششی دشت بند حسن آباد شیراز  
شاهپان جوزجان سیردان هرویوان ده کسان حسن آباد نسروان

مبارک آباد همی دوپان برکان بخت جرد نشینان  
 شمس آباد بهنجیه دادان حویه دولت آباد علی آباد  
 ساحان غیب آباد ده گوید عرضه داراب جرد صحرا و دلکش تر  
 از خلد برین و فضیلتها با صفا تر از خجالت از بعد زمین مرغزاری مملو از  
 ریاحین و شقایق آب و هوایش روح پرور و امزجه را موافق صنایع  
 ماء نهرها سال و دو قبه جمع طیر با موزون باد در سایه درختانش  
 کترانیده فرشتن بوفلمون این جسد که بسافت سی و پنج فرسخ مشرقی  
 واقع بچند فرسخ طول و از پنج فرسخ الی سه فرسخ عرض است اگر چه  
 از قسطنطنیه که میر است اما در کمال اعتدال در بسایتهن و باغچه میوه  
 سردسیری و گرمسیری نمودار بهشتی در طراد است بنزد خرم  
 همه چیزش عینا غیر آدم نزار و اعمارت و شایسته زراعت مردمش  
 رعیت پیشه و عیاشش پیش از رودخانه و قنوات و افرو و شمشاد

تمکاتره حاصلش غله و بنا کوه خرد ما و مرکبات و پنبه و قلیبی شکر  
 از معدنیات مومیائی بسیار علاوه بر کوه هشت رنگ و قریشیا و کاشا  
 شکارش از طیور دراج و کبک و تیهوار جنس و خوش خوک و آهو  
 از شکار کوهستان این سامان قادر هر حیوان فراوان بدست میاید  
 قصبه اشتمل با شتمل بر یک هزار و پانصد خانه سابقه از سی خانه  
 الی یک صد و پنجاه خانه وار داکلی و زنگنه داکلی آباد سمل ابو لغزیز  
 کدم ریز سر کوردن بد برا مرققات این بلوک که میر مردش سلاخ  
 و رز حاصلش خرما و غله بعدش از شیراز از سمت مغرب مسافت سی فرسخ در داکلی  
 معدن گوگرد و نطفه سیاه قلیبی هم میرسد پیش از رودخانه و باران  
 هر قریه شتمل رسی الی کجید و پنجاه خانه وار را مجر در امجد و نصر آباد  
 منصور آباد اباده بارز آباد فخر آباد حسن آباد قاسم آباد  
 ابراهیم آباد زراره ناختان کوشک سهل آباد چمنی



بزرگ زرگران کرازان مجد آباد خوشنجان همدردان  
 همیصل آباد فتوح آباد جهان آباد حشمتیان یرجان راجه درگ  
 ادرنجان زرقانک پل نو نازک کوزرشک دولت آباد  
 فالوکنک خیرآباد مقبل آباد ملک آباد مقبل آباد این ملک  
 سردسیر علیکه اش شمالی شیراز مضافت هشت فرسخ اهل شیرعاش  
 غده و پنج دینه آتش از رودخانه هرقریه مشتمل بر بیت الی کصدخانه و در  
 زیره زبانه تل سیرکو تل قاتل نظراک عموم سده محمدآباد  
 درودگاه احشام حوت این ملک کرمیر مغرب شیراز مضافت  
 سی و چهل فرسخ مردمش سلاح و در زحماش غده و فرما و نیشگاهش  
 در لاج آتش از رودخانه هرقریه مشتمل بر بی خانه الی صد و پنجاه خانه و در  
 سیلخ سیلخ دارنجان بدایجان میشوان شوراب ده درگ  
 قات خورایجان کدنج بابایور ایور دره بیکان و سکن

این بلوک سردسیر جلگه آتش جنوبی شیراز بسافت چهار فرسخ مردمش عتبت  
حاصلش غله و پنبه و جو بابت و پنج آتش از رودخانه و چشمه هر قریه از  
بیت خانه الی دوست خانه و در سرچاهان زیارت ساعت  
خون ر کلنگان حسی چهارزار این بلوک سردسیر میانه شرق  
و شمال شیراز بسافت بیت و شش فرسخ آتش رعیتش قلیلی اهل سلاطه  
حاصلش غله و جو بابت و پنج آتش از چشمه هر قریه شش پنج خانه الی  
کعبه و پنجاه خانه و در سیم سیم خانک کرم آباد و زکرو  
کاگان این بلوک سردسیر شمال شیراز بسافت بیت و چهار فرسخ  
آتش فقیر حاصلش غله و پنج و جو بابت آتش از چشمه و رودخانه هر قریه از  
خانه الی کعبه خانه و در سرستان سردستان برزو تنگ  
کوسنجالی کمنو خسرو ابا خیر آباد حسین آباد کتبه چند محمد آباد  
نظر آباد رباط قلات بیت اللهی سیف آباد کتبت پت

دولت آباد حسن آباد امر آباد این بلوک سردسیر در جلگه شیراز است  
مشرق بمسافت هجده فرسخ مردمش عیش و عشرت قلیلی اهل سلاح حاصلش غله  
تباکو و پنجه و میوه بخصوص انار آتش از فتوات قصه تخمیناً نصف خانه و  
سایر از بیت خانه الی دوستخانه و از سر صد چهار دانگ ده گرد و اوچان  
خسرو شیرین سده اسبابس جهان حاج آباد کوسنگ زرد  
شهر میان نظام آباد باریجه خجنگ کافر کردشول ایزدخواست  
این بلوک سردسیر شمال شیراز بمسافت قریب دو فرسخ مردمش وقتیش قلی  
اهل سلاح حاصلش غله و حبوبات و پنجه آتش از رودخانه چشمه ایزدخواست  
تخمیناً دوست و پنجاه خانه سایر از بیت الی پنجاه خانه و از شکاره و شکار  
ده گنده بویری زکریا خزه محمد عالی ده داران ده داران  
شاهنیروز شلدان سرو خلیفه محسن زرعی چل در  
بکار چمنگو بکار مکاری دشتی دریا چارباغ

ترنگ کنا و کان بنار این بلوک کر سیر مغرب شیراز عیاش  
سی و هشت فرسخ مردمش سلاح و رزق حاصلش غله و خرما شکار این صحرا  
و قلی دراج آتش از باران برقریه شتمل بر دو سیب خانه الی ده خانه و اریکانه  
کونارویه کوشک کزاده ز باد بخان دوزخ آتش سار  
زاد شاهان براق کاکون مرکان محیطا فرماد که  
جدید کوزراع اغان کنون اسفون کل است جرمش  
مودخون سان کلاکلی دشت دال این بلوک برهوش متدل  
مایل بجنوب شرقی شیراز بیاف تبت و سه فرسخ مردمش عتیب  
پشه و قلی اهل سلاح حاصلش غله و خرما و لیمو و پنبه و برنج آتش از قوت  
و چشمه هر قریز از نسبت خانه الاصد خانه و اریکانه بندر عباس  
و توابع اشمن و عیاب و توابع این بلوک کر سیر قریب به بقا و قریه که  
نخارجه پنجم شرقی شیراز مایل بجنوب بیاف نو و فرسخ آتش سلاح و رزق

حاصلش خزما و غله و مرکبات و پشمه اش از باران و رودخانه  
 بندر عباس تخمیناً بمقدار خانه دار سایر ارضی خانه ایکصد و پنجاه  
 خانه و ارضی غلویه غلویه بمیدخون نماند شکل تقی چند  
 سروباش کوشک ناز این بلوک که سیرکنار بحر محکم جنوب شیراز  
 بمسافت پنجاه و پنج فرسخ مردمش اهل سلاح حاصلش خزما و غله اش از باران  
 بندر غلویه تخمیناً صحت در صد خانه و در سایر ارضی خانه ایکصد و پنجاه  
 بندر سیر که از سوال الف ایام از بنا در معتبر مشهور این ملک بود  
 درین بلوک حواله قریه نماند رسوم طلال آثارش ظاهر و آشکار است  
 فیروزآباد جادشت کوشک ده شیر رسیدن  
 ده خلوت کیکت خویده باغ شاه کلیان همدا آباد  
 مارون ده نو نودرون ده پن دولت آباد خیزجان  
 هر چه کتک شاه مرد این بلوک که سیر میانه جنوب و شرق شیراز

بسیافت پیچده فرسخ مردمش فقیر حاصلش غنّه و حیوانات درینج و نیزه شکار  
این جگه قنوج و تپه و یکبک از دوش خوش خاک و آب و آبش از رودخانه  
هر قریه مشتمل بر چهل خانه الّه دوست و پناه خانه دار فقیر و آباد در  
آنرا شهر جو ریگشند شهری نیکی بود سوری عطیم و خندّه عمیق و آب  
انگند در رومی در تخمیر آن چندا که سعی نمود توانست خنجر  
الامر آب رودخانه در عمارت شهر انداخت چون منفذی شد  
بتدریج جمع آمد شهر ویران و بحیره شد اردشیر در عهد سلطنت  
خویش شاهان و مهندسان را حکم کرد که از شیب آن از کوه  
مقداری بریند آب جاری شد زمین خشک گشت بجز شهری صید  
اقدام و رزید فقیر و زسانان تجدید عمارتش نمود و مستی بعبودت  
آباد کرد اینید فافا نونندگان صحرا رود ششده محمد آباد  
و هویه تنگ کم کوشک صحیح ضعیف آباد زاهدان قدو

بانیان کوشک موردی حسین آباد در آگونی حبیب آباد  
و هسل آباد خرمنجان جلیان صفاد کنگان دستچه فیروز آباد  
روشنید علیا رونیز سفلی دهو این بلوک کر میر شری شیراز بنت  
بیت و هفت فرسخ هواش معتدل مردمش غلبه حاصلش غله و  
پنبه و تنباکو و میوه شکار این جمله قلیا درج و کبک و آب و آب از فونت  
و چشمه قصبه تخمینا یک هزار و پانصد خانه و ارسا بر از چهل خانه الی کعبه  
پنجاه خانه و ارا از غرایب شکار در این بلوک درخت سروست که در  
ارتفاع و دوزخ قطب پامین است فرانش بند فرانش بند سمبل آباد  
کنسبد اویز برج این بلوک کر میر جنوبی بابل مغرب شیراز بنت  
بیت و هشت فرسخ مردمش فقیر حاصلش غله و جو بات آب از چشمه  
و باران هر قرینه از سه خانه الی دوست خانه و ارفق تپه کارزین  
فرسنگ دو ان مبارک آباد خیر آباد کوه کارزین کوهل شاه

سرچشمه قدم مصت شیخ توبه سردیران مناس دوه  
لیفرجان همین دشت پشت اس فخرآباد فخرآباد این بلوک  
کرمیر جنوب شیراز مباحث سی و پنج فرسخ ایش فخر حاصلش غله و خرما و  
برنج و تنباکو و پنبه و مرکبات آتش از رودخانه هرقریه مشتمل بر  
خانه الکبیر و پنج خانوار مفری و لوطی مشکان قشاق  
غازیان جزئی ده بید قصر عقوب حسین آباد خورجان  
فخرآباد کپان باغ سیاه این بلوک سردیر جلگه آتش شمال شیراز مشتمل  
بر فرسخ مردمش رعیت شیه فلین اهل سلاح حاصلش غله و برنج و پنبه و حبوبات  
آتش از رودخانه و چشمه هرقریه مشتمل بر خانه الکبیر خانوار  
کله دار کله دار جوزی فال مهر سیورغان سنابیر و کله دار  
بود مهر سحرگاه و زکاه نیمه ده زنگو خلیفه جسم و کله دار  
درآو زرمون کرمت ده نو چاه قاسم شول فاریاب



تکون این بلوک کرمیر غلجه اش جنوب شیراز بسافت پنجاه و چهار فرسخ  
ایش سلاح و رزق حاصلش شیر ما و غله و تنباکو اش از باران و طوبی  
هر قریه مشتمل بر هجده خانه الی سیصد خانه وار کارزرون قصبه کارزرون  
کاسکان مشتمل بر هجده خانه بلیمان ابوعلی پوسکان لیس  
اشام کارزگاه و رشویه کمانخی سیف آباد ملاان درایت  
شاپور نودان چک کادکشک مورودک پاپود کند  
دیگامک سمغان دوسران کلان عبدوئ بورنجان  
دارک دروانه ده دشت جروق ستاره دوان قلعه  
کرکه دان فامور باطک این بلوک کرمیر هوشمعدل جلگه اش مغرب  
شیراز بسافت هجده فرسخ نصف از فرای توابع قصبه کارزرون در گو  
شکار این بلوک از هوشم خوک و از طیور در آج و بکک حاصلش غله و برنج و  
تنباکو و انجور اش از رودخانه چشمه و قنوات کارزرون در هجده قریه

بوده طهمورث ساخت چون شاپور بن اردشیر با کمان شمشیر پور  
ساخت کا زرو را از توابع شاپور کرد انبند فیروز بن بهرام از  
شهری کرد انبند قباد بر آن افزود شهری معظم شد اکنون بنام  
عمارات نقشه متفرق قلعه و بار و نه دارد اما شهر شاپور طهمورث  
بنا کرد اسکن در وقت عبور چنان خراب کرد که جز اسمی بجا  
نمذاشت شاپور بن اردشیر در عهد دولت خویش تجدید بنی کرد و باز  
بمال عمارت آورد و شعب شمال شهر غارت که صورت شاپور از  
سنگ تراشیده اند و از طرف دیگر آن شعب صورتها گاشته  
و مثالها اینچنینند اما حال شهر شاپور چون زمان اسکندر خراب  
و بایر است قصبه کا زرو ن شجناد و سزار خانه سائر مثل رود  
الیکصد و پنجاه خانه و ارکمان بندر کمان بنک تنک میان  
طاهر پرک اختر این بلوک که مسیر کنایه بحر اعظم جنوب شهر زرمش

پناه دشت فرسخ مردمش سلاح در ز حاصلش غله و خرما آتش از این  
بند کنگان شجما هفتصد خانه دارد بود و دو سالست که بواسطه  
انان بلوک دشتی خراب و بایر داری در آن ساکن نیست سایر  
قزاقش آباد و معسور هر یک مثل بر پناه خانه الی دولت و پناه خانه و  
کوچمه ماصرم شکفت ماصرم گزه گاو بهاره مرجان سخنان  
میچک کراچ دودو بندوبه کوزرک رحی مله کاله آب سرد و  
پر شکفت دشت ارژنه خانه رینان خرگ چارمکان سخر  
سبوک سرداب جمال خانه بنیس چار فاریاب دره دیرانک  
رخانه ده نوک خاشک نوچین این بلوک سرد و کوهستان  
جنوب مایل مغرب شیر زبافت دشت فرسخ مردمش عبت نش قلیان  
سلاح آتش از رودخانه و چشمه حاصلش غله و حیوانات و انجور و پسته  
که قوت غالب آنهاست شکارش کبک مرقریه ازت خانه الی سعید خان

دار کین کلیدک بکون سرزیر و قهر آشت دولت آباد  
اکبر آباد این بلوک سرد سیر چکه اشش مشرق مال شمال شیر از پشت  
بجده فرنج مردش قهر حاصلش غله و نپه و میوه و حیوانات شکار شکر کک  
آتش از رودخانه و قنوات هر قریه شمل بر بنچاه خانه الی دوست  
خانه دار کربال بلال آباد کوهک درینان سفح کجای کراران  
سال بهی عز آباد موان جلال آباد زین آباد حسن آباد کورک  
مسعود آباد هدایت آباد طایفه بهی دراران دولت آباد  
کوک کرمنجان سقا آباد ماشم آباد ابراهیم آباد مهر آباد بهرام خان  
ایمیل آباد قنوج آباد بلغان سلطان آباد نور آباد برنجان ده نو  
فشتقه خیر آباد سلطان آباد و حسن آباد لایچی شهر خاص کور کسیر  
منصور آباد محمد آباد صدر آباد اتانک فیروزی قهر کمال  
محمد آباد سلامت آباد کریم آباد قوام آباد حسن آباد جهان آباد نفعان

حارث آباد جدوان فسّوح آباد جدید شرف عبدلکرمی سینا آباد  
 محمود آباد شمس آباد برنجان ده کربالک زیروان نصرت  
 هدیان روہتقان رحمت آباد قنوج آباد خرم آباد قصر فخر سلاست آباد  
 رفعت کلانتری سعا آباد قصر فخر محمد آباد کوشک نعمت آباد  
 بند امیر طایفہ قرہ دوت خرامہ سحل آباد چار مقرب شہیدان  
 نعمت آباد کاوکان قوام آباد قسلاک خرم آباد حاجی آباد حسین آباد  
 شهاب آباد بوخیر وہقان ملک آباد دیودان مزارعات خرم  
 این بلوک سردسیر ایش فقیر جلک ایش مشرق شیراز مہافت دوازہ  
 فرنج حاصلش غلہ و برنج آتش از رودخانہ ہر قریہ از بیت خانہ اکھیدو  
 پجاہ خانہ وار است کمار مظفری قصر محمد بورک عید بورک کسفا ششک  
 نوروزان کوار محمود آباد زراد فرود و چناد طسوج باغان  
 فتح آباد علیا سفا آبادہ ریخرو حکوان سدو کونچان ہر گم باغ آباد

چمگزو که در لایبان دشته چم می دولت آباد قصبه این بود  
سردیر جنوب بایل مشرق شیراز بمبافت هشت فرسخ مردمش رعیت مشه  
حاصلش برنج و غله و پنجه آتش از رودخانه هرقریه از نگاه خانه ای بسند  
خانه دار کوکیدیو بهبهان خیرآباد قلعه رئیس نقی چاراسباب  
کردستان قانس تک کتاب دوونکه یکاوس طشان  
کلاب ده دشت قلعه چرام طسوج ارد باشت دین تکر  
کناوه اسپرموک شاه بگرام سادات رودخانه شاه قاسم  
زیری محمودآباد یاسج سزیه پر شکفت نوا سرکلی قمار چهار  
باغ ملک باغ گل بدرا سردشت عسکری چم ده پیشه سعادت آباد  
قلعه جعی چم امیرخان محمودآباد لجر علیا لجر سفلی غوله کوت مینا  
دره بیک بروج حاجی قمبر کرگی قلندر کنارکوه بنه امین داود  
مشرف خواجهاکیران بنه احمد سیاه کون بابینی گاه زرد لواج

کا دار امام حسن حصار چاه تلخ کره کز لوری کره بنید و هفتاد  
 باطل مال شیخ کا اسپد چاده بندیم این بندیم هانست کرد  
 ابو شمر نوشته شده و متسنن فیہ است کو کپیلویہ در مختصر بر شیراز  
 چهل شش فرسخ بعد از لرستان و سبزه از هر یک محالات فارس اوس  
 سمت جنوب و مغرب آن کر میسر شرق و شمال آن سردسیر است که  
 و با تش و جلگه قلیا در کوهستان الاله و با تش رعیت نشا بودیه نشین  
 سلاح و قطاع لطیف حاصلش محصولات سردسیری و کربس  
 قوت غالب بلوط آتش از رودخانه چشمه سار با سواهی چند قریه  
 منعی بلوک لیراوی که قریب بحر بحرم آتش از بارانست سگار شمشیر  
 انواع و خوش و همناف طیور غیر مخصوصه به بهان تقریباً دو هزار  
 خانه سایر در چهل خانه الکبیر و پنجاه خانه و در چشمه مومیا و اعلا نقت  
 سفید و سیاه درین بلوکت بادیه نشین طوائف مختلفه معروف آن

باوی بویر احمد نوک طینی ستمی پروم اقا جری شیر علی یوسفی  
شهر نوک دشمن زبیری تخمینا هفت هزار خانه دار کامفیروز معین آباد  
علا آباد خائین پانسکری قلعه چنار باغ نو بجان کو دین بکدان  
نیلو مشهد بیرمجان شول دنگان که جن تل سنج خم خالو  
عباس آباد کرپاج این بلوک سردسیر شمال باغ غرب مسافت شانزده  
مردمش رعیت پیشه حاصلش غله و برنج و پنبه و حبوبات آتش از رودخانه  
و چشمه هرقریه از چاه خانه الی دوست خانه دار لارستان و سبعة لار چاه  
کهنه خور مربوط خوشاب هر روز پذیر کمن براق لطیفی ریز  
ده کو کورده در آن شرف کرشت ریش خلیع عمادده ده اناج  
بغرد پیشور عوصن جراثش دشتی فاختند علا آباد باغ نصیر آباد  
از د حسن آباد بنارویه کشکو ملائک اشام قاید محمد شیخ عام  
بیرم قلات پسند کل اشخان کره زرا فخر آباد خشت پشکو



رکن باد تراکه بستک گویج فرمزی کسک کوده شک دالان  
 برنگ انوه برنوز تشدان مرزوق پتو کاوندی دشتی  
 اشام لامر کوردان خطمی باریکو تراکه جنوب تراکه شمش  
 رودر مذاق بردول فوشمان بده اشیر پیر عبدل  
 مربع رستاق رستی مرق حرة بسطین چاه مبارک  
 قل اردو متبو خایرد سهان قش سهان شمال بندو مالک  
 اخن بندر شیو بندر مقام بندر نخلو بندر بند بندر قلات  
 بندر چرو بندر شناس بندر لونه بندر ارکا بندر چاک بندر جهم  
 بندر مخان بندر کتانه بندر لکه بندر لک بندر محمدی بشاکرد  
 بندر دان احمدی کاشن سیرو سیرند خین کهره ماران  
 جانین طارم مرز پدمی درز سایان کلکاه کیشان درگاه  
 میتو فرک بکر نصیر آباد طاباد قلاتو عنوان رستاق